

کنگره

۲۰ شهریور ۱۳۸۶ - ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۶

سردبیر: جمال کمانگر jamalkamangar@yahoo.com

جهت اطلاع رفقای حزب حکمتیست!

نشریه کنگره ویژه کنگره دوم حزب دومین شماره اش روز ۴ سپتامبر ۲۰۰۷ منتشر شده است. ما تصمیم گرفته ایم که سه شماره دیگر نشریه را تا شروع کنگره منتشر کنیم. تاریخ انتشار شماره های بعدی نشریه کنگره بدین قرار است:

با احترام

جمال کمانگر

۶ سپتامبر ۲۰۰۷

سه شنبه ها ۱۱، ۱۸ و آخرین شماره ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۷ خواهد بود!

از طرف کمیته رهبری
خالد حاج محمدی

به اعضا حزب حکمتیست!

رفقای عزیز!

ما در آستانه کنگره دوم حزب هستیم. از مدتها پیش اوضاع سیاسی ایران، تحولات سریع در منطقه، سوالات جدید و جدیدی را در مقابل کمونیستها و حزب حکمتیست قرار داده است و وظایف سنگینی که بر دوش ما نهاده است. این وضع و دهها مسئله و فاکتور جدی دیگر برگزاری کنگره حزب را ضروری کرده است.

جواب دادن به مسائل مهمی است که باید در دستور کار ما باشند.

مسئله این است که آیا میخواهیم وارد این جنگ شویم؟ آیا میخواهیم تبدیل به چنین حزبی شویم؟ تنها دادن جواب مثبت به اینها کافی نیست. باید ملزومات آن را ساخت و باید حزب را روی این ریل برد. تنها اعلام وفاداری به اهداف کاری را به سرانجام نخواهد رساند.

ما به عنوان کمونیست، و حزب حکمتیست به عنوان ابزار دخالت کمونیستها در این تحولات، باید آمادگی کامل را برای شرکت در جنگی که در مقابل ماست را پیدا کند.

برای تضمین پیروز شدن در این جنگ باید از موقعیت فعلی بسیار فراتر برویم، هنوز باید توان و ظرفیت های به کار نیفتاده را به کار اندازیم و باید حزب را بسیار قویتر از اینها کنیم.

ما هنوز در پله اول تبدیل شدن به حزبی قوی و با نفوذ توده ای هستیم. این امکان برای ما باز است و میتوانیم نقش تاریخی بازی کنیم. اما رسیدن به این هدف در گرو کارهای بسیار جدی و مهم و

کل مسئله این است که باید نقشه رسیدن به این هدف را ریخت، باید موانع متعدد پیروزی را یک بیک از میان برداشت. و این همه محتاج نوعی دیگر از کار، نوعی دیگر از فعالیت، نوعی دیگر از آرایش و نوعی دیگر از تحزب و است. و کنگره باید گامی مهم در بردن کل حزب در این جهت باشد. صورت مسئله ای که در مقابل ما و کنگره دوم حزب است نه توافق بر سر مقولات مربوط و نا مربوط بلکه توافق بر سر نقشه ای معین است که حزب را ظرف مدت معین

به حزبی قدرتمند تبدیل کند. حزب را به نقطه امید مردم تبدیل کند، حزب را در چنان موقعیتی صفحه ۲

اسد گلچینی

در راستای انطباق پراتیک حزب با توقعات و سیاستهای اعلام شده (مورد کردستان)

گامهای مهمی را در جهت تبدیل شدن به یک حزب سیاسی و گذاشته و بخشا پیش برده ایم. بویژه سیاستهای اعلام شده تاکتونی عزم و تصمیم حزب ما را برای ایجاد یک حزب سیاسی و اجتماعی و متحد کننده کارگر و مردم و تکان دهنده در جامعه تاکید کرده است. اما کار ما برای ایجاد یک قدرتمند سیاسی و اجتماعی، قبل از هر چیز از مسیر همدلی رهبری حزب، انسجام در رهبری و سیاست کمونیستی و کارگری، تصمیم مشترک و انقلابی، مشغله مشترک و برنامه مشترک صفحه ۳

رحمان حسین زاده موضوع پیشنهادی برای بحث در کنگره ۲ حزب سیاسی و سنتهای بازدارنده (خطوط بحث)

۱- در مسیر ساختن حزب سیاسی توده ای

الف - گامهایی که برداشتیم (استنتاجات از حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه)

ب- دوره گذار به حزب سیاسی و سنتهای بازدارنده

۲- سنتهای بازدارنده کدامند؟ کارکرد آنها چیست؟

الف- سنت اعلام موضعی، گروه فشاری

ب- سنت ماقبل حزب (سنت محفلی، گروهی)

ج- سنت اخلاقی گری پوپولیستی

د- ایدئولوژی گری، فرقه گری و سکتاریسم

۳- حزب حکمتیست وملزومات نهایی تبدیل به حزب سیاسی، توده ای

سلام زیجی

در نقد پاره ای سبک کار، سیستم فرماندهی، آرایش، وظایف و شکل سازمانی کنونی گارد آزادی، راه حل های پیشنهادی

من فکر میکنم مکانیزم ها و نقش و تلاشی که تا کنون برای امر گارد آزادی برای خود قائل و در دستور گذاشته ایم، اگر تا حال اندک پاسخی داده باشد، از این به بعد نه تنها باسخگو نیست بلکه در صورت عدم تغییر در آن کل این پروژه را با خطر جدی روبرو خواهد کرد. مورد گارد آزادی تصویرهای متفاوت هست و از اینرو ما نوعی از کار و وظایف برای خود و آن قائل هستیم که از نظر من در مواردی به ترمز ی بر سر راه پیشرفت این گارد تبدیل شده است. صفحه ۲

قرار پیشنهادی برای تغییر نام حزب پیشنهاد دهنده: مصطفی یونسی

صفحه ۵

ثریا شهبایی

درخواست سمینار در جوار کنگره درسهای انقلاب ۵۷. نقش يك جریان مارکسیستی در آن صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

به رفقای حزب حکمتیست در مورد کنگره ۲

قرار دهد که بتواند انقلاب کارگری را سازمان دهد و رهبری کند.

سوال چگونگی آماده کردن این حزب برای جنگی است که در مقابل خود داریم، روشن کردن عرصه های مختلف نبرد و ملزومات آن و نقش و جایگاهی است که ما به عنوان کمونیستهای کارگری باید داشته باشیم. کنگره دوم حزب باید بتواند در این راه قدم بردارد و کل نیروی حزب را متحد کند و به جان جامعه بیندازد.

در کنار بحث های موضوعی که مثلا در نشریه کمونیست و نشریه کنگره درج شده است بحث های دیگری در دنیای محدود، مجازی و کاذب اینترنتی براه افتاده است که نه ربطی به دنیا دارد و نه پیروزی یا شکست در آنها چیزی را عوض میکند. تماما یک دنیای موهوم است. متاسفانه تعدادی معدود و محدود از اعضای حزب در دفاع از حزب و مقابل انحلال طلبی و پاسیفیسمی که دامن شکست خوردگان این دوره را گرفته است وارد جدل در این دنیای موهوم شده اند.

مسئله به سادگی این است که این دنیا و مشغله های آن نباید بیش از این به مشغله حزب و رفقای حزبی تبدیل شود. میدانم وقتی چنین غیر منصفانه حزب را مورد حمله قرار میدهند، رفقای جواب میدهند و از حزب شان دفاع میکنند، و این نه تنها مشروع بلکه لازم میباشد. اما همین جواب های تا کنون داده شده را کافی اعلام کنیم.

لطفا دست نگه دارید و لطفا بیش از این وقت و انرژی خود را صرف نکنید. این دنیای مجازی ارزش انرژی گذاشتن را ندارد. به دنیای واقعی معطوف شوید و مسائلی که در مقابل گسترش مبارزه خود و حزبتان هست را موضوع بحث قرار دهید.

رفقا!

مشخصه اصلی حزب ما معطوف بودن به دنیای واقعی و پاسخ دادن به مسائل این دنیای واقعی است. باید سرها را به طرف کنگره و اولویتهای کمونیسم در ایران برگرداند. باید سرها را برای ایجاد آمادگی در حزب، برای آماده کردن حزب جهت شرکت در جنگی که مطلقا در جایی دیگر در جریان است برگرداند. سرنوشت کارگر و زن و کودک در دنیای امروز، سرنوشت کمونیسم و حزب کمونیستی در جامعه ایران از کانال دنیای موهوم و مجازی اینترنت

سیاست کمونیستی بر جنبش اعتراضی مردم و کارگر و جوان و زن از کانال جواب به مسائل بالا تامین خواهد شد.

کنگره حزب قرار است تلاشی در جهت ایجاد صفی متحد در حزب، در راه ایجاد آمادگی کامل در حزب، در راه ایجاد توافق و ریختن نقشه برای شرکت در چنین جنگی علیه دشمنان مردم و برای رهایی میباشد. پس لطفا سرها را برگردانید و در این میدان و برای جوابگویی به این مسائل تلاش کنید، اگر حتی اختلاف و بحث و جدلی باشد باید در همین میدان و برای قانع کردن و به توافق رسیدن و خشتی را روی خشتی گذاشتن در همین میدان پیش برد نه دنیای مجازی دوستانی که قهرمان دنیای اینترنتی خود هستند.

از همین لحظه تصمیم بگیرید که این دنیا وجود ندارد. به سادگی دود میشود و هوا میرود. هر سایت و نشریه ای طبعاً اولویت های خود را دارد. آنچه اولویت ماست را در نشریات و در سایت حزب مبینید. لطفا همگی سرها را به این طرف برگردانید این دنیای کار و مسائلی است که در مقابل ما قرار گرفته است. باید با هم در این راه تلاش کنیم. گل همین جاست همین جا برقص.

۸ سپتامبر ۲۰۰۷

نمیگذرد. این دنیای ما نیست، جبهه جنگ ما مطلقا اینجا نیست و میدان سیاست برای ما مطلقا این نیست. این میدان ساخته و پرداخته همان دنیای مجازی است که برای خود و به خود مشغول است. این همان دنیای مجازی است که باید ترکش کرد و سرها را رو به جامعه و سرنوشت مردم و مبارزه کارگر و زن و انسان برای رهایی و ایجاد راه و نقشه پیروزی برگرداند. میدان سیاست و جنگ و دفاع از کارگر و کمونیست و انسان با این دنیا بیگانه است.

قدمت اینگونه فعالیت سیاسی به قدمت چپ ایران و راستش کل دنیا است. راه جواب به اتفاقات عظیمی که در دنیای امروز میفتاد و سرنوشت بشر را زیر و رو میکند نه تنها شرکت در اینگونه سیاست کردن نیست بلکه کاملا با آن بیگانه است. دهها سوال مختلف در مقابل حزب است، از موقعیت جنبش کارگری و سیاست حزب، سازماندهی توده ای مردم، گارد آزادی و راههای وسعت دادن به آن و تجارب تا کنونی، تبدیل حزب به حزبی وسیع و توده ای، موقعیت کمونیسم در منطقه، نقشه حزب برای ایجاد سازمان حزب در ایران، کمیته های کمونیستی، مبارزات زنان و آینده آن و دهها مسئله دیگر. اگر قرار است حزب ما ابزار انقلاب کارگری باشد، راه اعمال

باشد نمی تواند به خوبی خود را معرفی کند و جامعه را متوجه خود کند.

و همچنین باید در مورد پاره ای از جوانب امنیتی،

ارتباطاتی با واحدهای گارد آزادی و همینطور آموزش و انتقال تجارب کادرها و فرماندهان علنی هم تاکیداتی کنیم.

و بلاخره سوال این است که این پروژه چرا هنوز پروژه کل کمیته مرکزی حزب نیست؟

این ها محورهای هستند که من میخوام در یک سمینار در موردشان بحث کنم، نقد کنم و راه حل و آلترناتیو پیشنهادی خود را ارائه دهم.

آموزشی جدی داریم، نه شناسائی و اخبار به روز شده و نه طرحهای دقیق و منطبق و پاسخگو به شرایط امروز. این وضع را باید فوری تغییر داد.

برای گسترش واحدهای گارد آزادی در کردستان که حزب ما امکان دسترسی مستقیم را دارد ما برنامه و طرحهای عملیاتی گسترده و جدی به این منظور نداشته و نداریم.

بسنده کردن به استفاده از امکانات و ابزارهای کنونی برای جریانی که تعجیل دارد کشنده و ناکافی است. گارد آزادی فاقد یک پشتیبان مالی و تبلیغاتی جدی است. این نیرو اگر پولی برای کارهایش پیدا نکند به جای نمیرسد. اگر سایت و یک منبع و پوشش تبلیغی مرتب نداشته

فاتحه خواندن این پروژه مهم در سطح سراسری.

بخش علنی گارد آزادی و نقش و توان کادرها و فرماندهان ما در این زمینه تا کنون هیچ جایگاهی برایش تعریف نکرده ایم و از این قابلیتها فقط استفاد های یک بار مصرفی و تک ماموریتی مورد نظر بوده که خود این بی توجهی نیز به کندی در کل پروژه گارد آزادی به و یژه در کردستان کمک کرده است. گارد آزادی باید از یک سیستم فرماندهی توانا، زبده و مطلع از اوضاع نظامی و دیگر روندهای منطقه برخوردار باشد.

به نظر من ما امروز این فرماندهی را به طور واقعی نداریم. ما در این مورد بسیار سنتی و کهنه برخورد میکنیم. ما نه برنامه

بقیه از صفحه ۱

در نقد پاره ای سبک کار...

برخی از عملیاتیهای این گارد نادرست، نادقیق و حتی به سبک قدیم پیشمرگایستی است.

گارد آزادی و رابطه آن با کمیته های کمونیستی مخدوش و به نظر من در این دوره و اوضاع سیاسی از بیخ این نوع شکل سازمانی نادرست و به کندی کار هر دو و به پائین آمدن امنیت هر دو منجر شده و میشود.

گارد آزادی در سطح سراسری تماما بی صاحب و هیچ کاری برایش نکرده ایم که این هم غیر قابل قبول است. موکول کردن تاکنونی صرف آن به کمیته سراسری تشکیلات داخل یعنی

در راستای انطباق پراتیک...

ممکن است. حزب و در درجه اول رهبری که متحد و یک دست، علیرغم هر اختلاف نظری که وجود داشته باشد، برای اجرای سیاستها و اولویت هایش گام بردارد از انجام کار جدی در جامعه باز میماند. رهبری در همه سطوح، از کمیته رهبری تا کمیته های کمونیستی و همه کمیته های اصلی حزب، تضمین کننده مبارزه ای متحدانه، بزرگ و تعیین کننده است. این خود تضمین کننده حضور صفی بمراتب بزرگتر از همه کمونیستهای حکمتیست است که امروز در شهرها در حزب هستند و لولای حزب و جامعه خواهند بود.

اما با این درجه از همدلی و انسجام و انطباق پراتیک و سیاستهای اعلام شده فاصله داریم. یک کار بزرگ کنگره بدون تردید ایجاد همدلی و رسیدن به این اهداف باید باشد. کاری که تک تک ما در ایجاد آن مسئولیم.

برای رسیدن به این تصویر باید موقعیتی که در هر بخش را داریم هم بتوانیم بدرستی ترسیم کنیم. تمام قدر را ببینیم و راه حل مناسب را انتخاب کنیم.

به عنوان یکی از دست اندرکاران مستقیم کار حزب در کردستان من به این عرصه میپردازم. نگاهی مختصر به گره های ما در حزب و تشکیلات کردستانش کنگره را باید به چاره جویی برای موانع پیش پا بکشاند.

کردستان میتواند و اگر ما بخواهیم، به دروازه ای برای قدرت گیری کمونیسم و محرومان جامعه در ایران تبدیل میشود. این شعار نیست. بر اساس واقعیت های پایه ای وضعیت سیاسی مبارزه طبقه کارگر و رادیکالیسم و حضور بیش از ۲ دهه کمونیسم منصور حکمت، و ما یعنی صف بزرگی از یاران و رهروان حکمت، در این منطقه متکی است و حضور کم و بیش دائمی را هم داشته ایم. ما دارای صف رهبری شناخته شده

و تاثیر گذار در این جامعه و مهمتر اینکه نیروی مهمی در شهرهای کردستان داریم. فعالیتهای مهمی را در این سالها سازمان داده ایم. در همین یکسال و چند ماه اخیر با سروسامان گرفتن بیشتر نیروی حزب در شهرها، در دسترس بودن بیشتر رهبری و شخصیتهای موثر حزب در کردستان برای مردم در برابر رژیم و همچنین درگیر شدن در چالنجهای مهم سیاسی با ناسیونالیستها و بویژه با به میدان آمدن گارد آزادی گامهای مهمی برداشته ایم. اما همیشه گفته ایم و دوباره تاکید میکنم که این سطح از کار و حضور ما به شدت ناکافی و جوابگو نیست. از همین جا به نارساییها میپردازم و باید تغییرات جدی ایجاد کنیم. این را هم تاکید کنم، این جامعه میتواند علیرغم اینکه احزاب و جریانات ناسیونالیست پایگاه دارند و بر آن مرتبا تاثیر میگذارند، به جامعه ای بشدت ازادخواه و رادیکالتر تبدیل شود. حزب حکمتیست کاندید اول به سرانجام رساندن اینکار است. اما آیا قادر به ایفای این نقش است؟

کنگره دوم حزب از لحاظ عملی باید تصویر روشنی را در مقابل حزب و آینده فعالیت آن در کردستان قرار بدهد. این تصویر کماکان برای رهبری حزب و بویژه برای کمیته کردستان روشن نیست، یا بهتر بگویم در این مورد تصویرمان یکدست نیست کامل نیست و تصویر درستی هنوز در رهبری حزب در این مورد حاکم نیست و در کمیته کردستان حزب نیز، چه در داخل و چه بخش علنی آن این معضل وجود دارد.

از لحاظ عملی مشکل همیشگی سازمانگری است، و یا بهتر بگویم فاصله حرف و پراتیک هنوز یکی از مشکلات بزرگ ما را تشکیل میدهد. از یک طرف داشتن آرزوهای بسیار واقعی و انسانی، نقشه ها، طرح، قرار و قطعنامه های مهم و روشن و تصمیمات درست، و از سوی دیگر ناتوان از تاثیر گذاری قطعی

و رادیکال بر محیطی که در آن میتوانند در اثر فعالیت کمونیستهای دخالتگر متاثر بشود و اشکال دیگری را از مبارزه، زندگی انسانی، اتحاد کارگران برای کار و زندگی بهتر، صف بندی بزرگ سیاسی و نظامی در مقابل هر سناریو سیاهی که در جریان باشد و... را در مقابل جامعه قرار دهد. عادت های گذشته و الگوها و نحوه کار گذشته هنوز بخشی از انرژی ما را گرفته است. عادت و سنت های رایج در جامعه بر دست و پای ما هنوز سنگینی میکند. ادعا های بزرگ و پراتیک ضعیف، استاد نقشه کشیدن و ضعیف در اجرا. ما از این سنت هر چه بیشتر باید فاصله بگیریم. نحوه زندگی و کار امروز ما در هر کجا هستیم دارد فعالیتمان را تعیین میکند و این مطلقا متناسب با طرح و فعالیتهای یک تشکیلات مهم با شخصیت های اجتماعی نیست.

به موقعیت خود بطور اختصار در عرصه هایی مهم دقت کنیم

در بخش علنی و رهبری تشکیلات کردستان نزدیک به ۱۰۰ شخصیت پرنفوذ و کادر برجسته، کمونیست، با نفوذ و یا پرنفوذ، کاردان در مسایل سیاسی، نظامی و تشکیلاتی عضویت دارند. چه درصدی از این بخش از کادرها که کمیته کردستان حزب را تشکیل میدهد اصلا به موضوع کارش که کردستان است میپردازد؟ چه درصدی عملا بخشی از زندگی و کارش را پرداختن به این مساله، در اشکال مختلف و از هر نوع فعالیتی که باید داشته باشیم، قرار داده است. مکانیزم فعالیت و مبارزه و سازمان دادن در کردستان به نسبت شهرهای دیگر تفاوت هایی جدی دارد. اینجا ما در منطقه ای زندگی میکنیم که مرکز بحران های منطقه ای و جهانی نیز هست. میتوان و باید در بطن این اوضاع بود و بر آن به نفع مردم تاثیر گذاشت. جایی که همه مدعیان تاثیر گذاشتن و "آینده سازان" جامعه ایران و کردستان گرد آمده اند. باید در بطن این

اوضاع حضور فعال داشت. و هر بخش از فعالیتی که ممکن است را ممکن کند.

آیا کل کمیته و رهبری آن بر موضوع کارش آشنا هست و یا به دلیل محیط کار و زندگی که دارد روز بروز از آن فاصله گرفته است؟ رهبری این کمیته به چه مشغول است و در کجا؟ به کارگران، به مردم محروم، به کمونیستها، به زنان و جوانان، به معضل ناسیونالیسم در جامعه و ابعاد گسترش یافته آن و سوالات مشابهی باید پاسخ داشته باشیم. به روی آوری به ما و نیاز های مبارزاتی حکمتیستها و همه مبارزین دیگر باید پاسخگو باشیم. اگر نه ما همچنان به عنوان نیرویی مهم، اما بدون تاثیر گذاری جدی بر جامعه خواهیم ماند.

دنیای بیرون از ما خیلی تغییر کرده است و احزاب سیاسی ناسیونالیست و کومه له نیز بعنوان یک نیروی چپ، در کردستان هستند، در منطقه هستند و البته مرتبا حتی از طرف نیروهای خودشان هم مورد سوال قرار میگیرند. ما نیز باید حضور مان را تامین کنیم چه از لحاظ سیاسی و خط روشن و چه در منطقه و در دسترس مردم.

مثلا در این سالها یک بخش کاملا قابل توجه از نا امید شدگان از این احزاب و سرخوردگان به ناسیونالیسم و این چپ بوجود آمده اند، هستند و عموما زیر چتر ناسیونالیسم و یا چپ متوهم و ملی فعالیت دارند، مسایل خود را مرتبا طرح میکنند. در سایت ها، روزنامه ها، نشریات دانشگاه ها مطرحند و ما بعنوان حزبی با دارای سیاست و برنامه روشن برای کردستان در تقریبا همه مباحثات و مسایلی که این طیف پیشرو میگذارد دوریم. ایدا مساله نمیتواند این باشد که ما سازمان درستی نداریم و یا برای این کار اختصاص نیرو نمیکنیم و یا ... بلکه نه وضعیت در کردستان و همه جنب و جوش ها و تحولاتش ما را احاطه کرده است و نه خود را ملزم به تاثیری بر آن میبینیم. این نیروی چند ده نفره قابل

توجه در جامعه کردستان با این مسایل و موضوعات جدید نا آشناست.

این نیروی بزرگ کمیته کردستان و کادرهایی که بر این جامعه نقش تعیین کننده ای میتوانند بگذارند، باید متحد شود و یا دستکم نیرویی قابل توجه از آن که علاقمند ادامه این کار است خود را در محور این تلاش قرار دهد. کنگره در این مسیر میتواند تاثیر مهمی داشته باشد.

و قبل از هر چیز تصویری از نحوه دخالت و فعالیت ما در رهبری حزب و کمیته کردستان باید دگرگون شود.

اگر چنانچه روال کنونی فعالیت کمیته کردستان (متشکل از بخش کادرهای علنی که در خارج کشورند، کادرها و اعضا حزب در داخل و گارد آزادی) ادامه داشته باشد، به این هدف نمیتواند خود را نزدیک کند. میتواند بر آن تاثیرات موقت بگذارد.

تا هم اکنون هم متاسفانه این نحوه کار را ادامه داده ایم. حضور چند نفر در منطقه و یا در داخل ما را تهیج میکند و راضی، در صورتی که این وضعیت به تلاشی بزرگ و متحدانه و آگاهانه نیازمند است. ما فرصت را از دست داریم میدهیم. حزب میتواند مطرح باشد و هم اکنون هم حکمتیست ها مطرح هستند و بالقوه نیروی قابل توجهی هم هستند. اما این نمیتواند پاسخگوی نیاز مبارزاتی و اهداف ما باشد.

حزب از لحاظ نظری روشن است که چه باید بکند، بخش بسیار بزرگی از این تشکیلات امیدوار و در جنب و جوش است، افق روشن و سیاست های روشن و حکمتیستی دارد و... اما حزب با روال فعلی فعالیت در کردستان حداکثر میتواند در حاشیه بماند. ما نیرو و پتانسیل این را داریم که به یکی از احزاب موثر در سرنوشت جامعه تبدیل شویم.

به یک حزب اجتماعی تبدیل

شویم، اکنون این نیستیم. چگونه باید به این موقعیت رسید؟

گارد آزادی

این یک پایه مهم و بزرگ و یک پروژه تاریخ زندگی ما در این دوره میتواند باشد. بخش مهمی از عدم انسجام در مورد گارد آزادی مربوط به نحوه تبدیل این گارد به نیرویی واقعی، بزرگ و اجتماعی است.

همیشه میگوییم که در مورد گارد اظهار نظرهای مختلفی وجود دارد، این هست، ولی مشکل اصلی ما این نیست. مشکل ما نحوه اجرا است. مشکل ما سازمانگری ماست. مشکل ما پراتیک نکردن آن است. هنوز بخش مهمی از کار ما و رفقای فرمانده ما و کمیته های کمونیستی و کادرهای حزب در داخل نیز ایجاد این سازمان، گسترش آن و تلاش برای رویتن کردن فعالیت هایش نیست.

مساله مهم در گارد آزادی نیز نشناختن و یا منطبق نکردن بر ملزومات واقعی است که این کار دارد. ما معمولا برای طرحهایمان بسیار فکر میکنیم اما برای اجرا ی آنها زیاد نه، و آنرا " میسپاریم" دیگران اجرا کنند. خود ما اجرا کننده طرحهای خودمان نمیشویم. و چون معمولا هم کار مشترک، هماهنگ و کمیته ای ضعیفی هم داریم، ایراد های فرد فرد ما به مایه ای برای دور شدن از هم و... تبدیل میشود.

گارد آزادی را نمیتوان با تلفن و انترنت درست کرد. گارد آزادی را حتی مقاله و رهنمودها نمیتوان درست کنند. گارد آزادی را با دیدار با علاقمندان،

دیدار با کمونیستهایی که خواهان این کارند، دیدار با سازماندهان این فعالیت، حضور رهبران در میان مردم، متحد کردن و توجیهی کردن، راه و چاره و ابتکار را نشان دادن، یافتن امکانات و ملزومات واحد های گارد و فعالیتی هماهنگ و حساب شده در همه جا و در بطن مبارزات سیاسی و اجتماعی

کارگران و محرومان جامعه باید پیش برد و ممکن کرد.

ما موفق نخواهیم شد از اروپا و آمریکا این کارها و بخش بسیار کوچکی از آن را انجام بدهیم باید اعتراف کنیم که تا کنون بطور جدی و ادامه کار و با حضور رهبری دائم و مصمم برای این کار اقدام نکرده ایم. پیشرفت های تا کنونی با همت و تلاش بخشی از رفقا ممکن شده است. بسیار موقتی است. اگر نخواهیم به نتیجه برسیم باید تصویر و فعالیت دیگری داشته باشیم.

تشکیلات کمونیستی

حکمتیست ها در شهرها حضور دارند. در فعالیتهای کارگری و فعالیتهای متنوعی هستند. در بخش بزرگی از این تشکیلات، وزن آنها و سازمان حزیشان در جامعه و مسایل و مبارزاتش، مطلقا متناسب نیست. از لحاظ مبارزاتی غیر متحد و کم تاثیر و از لحاظ سازمانی پراکنده. آدم هایی که به تنهایی مهمند.

منتها بخش بسیار بزرگی از این تشکیلات هنوز به عنوان کادرها و آدم های مهم "مستقل" وجود دارند. ظاهرا نه ما توانسته ایم آنها را متقاعد کنیم و نه آنها تا کنون نشان داده اند که عملا با این تعریف و توقع حزب را صاحب هستند.

خیلی ها خود را حکمتیست میدانند بدون اینکه اصلا خود را ملزم به متحد کردن خودشان با هم و با حزب ببینند. مشکل در درجه اول هم امنیتی نیست. اوضاع سیاسی هم بدون تردید تاثیر مهمی دارد.

کار حزبی متاسفانه به چند بار چت و استفاده ای مختصر و محدود از انترنت تبدیل شده است.

ارتباط های بسیار نا منظم و پراکنده بخشی از این رفقا نیز صرفا بخش بسیار کوچکی از کار حزبی میتواند باشد. این جای کار کمونیستی،

تشکیل کمیته های کمونیستی و فعالیت آگاهانه و طبق نقشه در هر جای جامعه که هستند، و در

ارتباطی ارگانیک با حزب را گرفته است.

اگر از سویی بخش بسیار بزرگی از رفقای ما زیر بار زندگی بسیار سخت و در تنگناهای مختلف کار و زندگی قرار دارند، از سویی دیگر تصویری بسیار محفلی (دوران ماقبل حزبی) از فعالیت و رابطه با حزب وجود دارد. و این قبل از هر چیز حزب را با مشکل پراکندگی روبرو کرده است. مشکل کادرهای حزب در اینجا این بیگانگی و یا شاید بی تفاوتی به حزب، درست کردن حزب، متحد کردن حزبی ها، متحد کردن کمونیستها، خود را بعنوان مسئولین و رهبری حزب دانستن، و مانند حزب فعالیت کردن، است. این مشکل جدی ما در میان این بخش از حزب در داخل است. در اینجا نیز به دلایل مختلف حرمت و اهمیت حزب ضعیف شده است.

هر مساله و مشکلی جزئی و شخصی، هر اختلافی بر نحوه کار، میتواند رابطه این رفقا را با هم و با حزب تحت تاثیر قرار دهد. و در نتیجه آنچه که بی صاحب میشود حزب است و همه مسایل طرفدارن و سخنگویان و هوادارانی پیدا میکنند، حزب کمترین سهم را. و این تاثیر فعالیت ما در جامعه را بطور آگاهانه محدود کرده است. این رابطه ای معکوس و فعالیتی معکوس است.

این را باید زیر و رو کرد. رهبری در کمیته کردستان و کادرهای داخل باید به تصویری درست از کار تاکتونی برسند و معضلات و موانع و محدودیت ها و سنت های مختلفی که عمل میکنند را شناخته و به روش های درست در کار برسیم.

در همه زمینه ها اساس کار بر تغییر یک نگرش به کار تاکتونی است. در همه زمینه های کار ما در حزب، کم و بیش وجود دارد. بعنوان دست اندرکار بخشی از این فعالیتهای حزب در کردستان، فکر میکنم کنگره،

همه نمایندگان و حکمتیستها در هر جا که هستیم باید برای این وضعیت راه حل جدی بیابیم.

و بطور خلاصه:

ما بدون رهبری متمرکز، بدون رهبری متحد و هم جهت و اولویت، بدون رهبری همیشه در دسترس مردم، قادر به پیشروی جدی نیستیم.

ما باید بدون تحول در فعالیت گارد آزادی، سازمانیابی و نحوه اجرای صحیح و مرحله بندی شده آن، و بدون در دسترس بودن رهبران و فرماندهان این نیرو، قادر به تغییر جدی در این سازمان مهم نخواهیم بود. حزب بدون این پایه لنگ است.

ما باید نیروی حکمتیست ها در شهرها سازمان یابند و بیش از هر چیز آنها را از لحاظ سیاسی و خط حزب با حزب و حزبیت آشنا شوند. اعتبار و حرمت کار حزبی و فعالیت حزبی را باید بتوانیم برگردانیم و کادرها و فعالین برجسته حکمتیست در شهرها

بنیادی ما با این جریانات میکشاند:

حزب ما بایستی، حتی در سطح معرفی خود نیز، جدایی وعدم تعلق کامل خود به این صف و احزاب را به جامعه اعلام نماید:

از اینرو کنگره دوم تصمیم گرفت که از این تاریخ بعد نام رسمی و کامل حزب را به "حزب حکمتیست ایران" تغییر دهد.

از اینرو کلیه ارگانها و بخشهای مختلف حزب بایستی در اسرع وقت ترتیبات لازم در این جهت را دستور خود بگذارند و اکیداً از استفاده نام قبلی خودداری ورزند.

مذهبی و...اند:

کمونیسم کارگری موجود، متاسفانه، امروز بخشی از نیرویهای ناسیونالیسم چپی اند که در جریان تحولات حساس سیاسی در ایران و منطقه خود را در کنار ناسیونالیسم و نژادپرستی، و در کنار سیاستهای کاملاً سرکوبگرانه و ضد انسانی غرب و همپالکیهایشان در منطقه قرار دادند:

وجود نام کمونیسم کارگری بر حزب ما خواهی نخواهی ما را بخش و شاخه ای از آن در سطح سیاسی مینمایاند، و پرده ستر و گمراه کننده ای بر تفاوتهای

فعالیت و جهتگیریهای حزب ما در سه سال گذشته تمایزات و تفاوتهای بنیادی ما را با احزاب و جریانات موجود، که بنام کمونیسم کارگری در صحنه سیاسی اند، بخوبی نشان داده و در معرض قضاوت جامعه قرار داده است:

کمونیسم کارگری موجود دیگر نه جریانات مدافع و پیشبرنده خط فکری بنیانگذار آن، منصور حکمت، برای دفاع از انسان وهمسرنوشتی اش بلکه خود بخشی از نیروهای سیاسی موجود مدافع و مبلغ تقسیم انسانها بر مبنای تعلقات ملی و

قرار پیشنهادی برای تغییر نام حزب

پیشنهاددهنده: مصطفی یونسی

ضرورت تغییر نام حزب

از آنجایی که:

حزب ما بایستی نمود و انعکاس خط فکری - سیاسی ای باشد که منصور حکمت بنیانگذار و رهبر آن بود و هست، و فعالیت و سیاستهای این حزب بر مبنای اساس پیشبرد و عملی کردن کمونیسمی باشد که منصور حکمت پرچمدار و مدافعش بود:

درخواست سمیناری در جوار کنگره

ثریا شهابی

درسهایی انقلاب ۵۷، نقش یک جریان مارکسیسی در آن

انقلاب ۵۷ و سرنگونی رژیم شاه بر سر مسائلی بود، که بستر رسمی چپ، چپ سنتی، و همه گروهها و سازمانهای هرگز آن را هضم و درک نکرد

این مسائل چه بود؟ و پاسخ های مارکسیستی به سئوالات انقلاب ۵۷ کدام ها بودند.

چرا در دل بحران چپ سنتی اتحاد مبارزان کمونیست (ام ک) عروج میکند؟

آدرسهای تماس با حزب حکمتیست

بهرام مدرسی
دبیر کمیته تشکیلات کل کشور
bahrammodarresi@gmail.com

عبدالله دارابی
فرمانده گارد آزادی
darabi.a@broadband.net
Tel.: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

جمال کمانگر
دبیر سازمان جوانان - حکمتیست
jamalkamangar@yahoo.com

کوروش مدرسی
لیدر حزب و دبیر کمیته مرکزی
kooorosh.modarresi@gmail.com

فاتح شیخ
رئیس دفتر سیاسی
fateh_sh@yahoo.com

رحمان حسین زاده
دبیر کمیته کردستان
r_hoseinzadeh@yahoo.com